

دسیسه ای از دسیسه های کرزی

با هر دید و هر منطقی که تحولات افغانستان را، در ارتباط با جنگ غیر معمول و بیشرمانه ای که طالب افغانی به یاری طالبان سائر کشور ها، حرکت های افراطی مسلح اسلامی پاکستانی و گروه القاعده به نیابت پاکستان با مردم ما به راه انداخته است، بررسی کنیم، نتیجه آن تنها همین خواهد بود که حضور نیروهای نظامی ناتو در کنار نیرو های نظامی افغانی، و تقویت ارتش و پولیس و امنیت ملی افغانستان طی یک دهه گذشته عاملی بوده است در جهت فزونی قدرت دولت و افزایش ثبات و امنیت در افغانستان و در منطقه.

درست است که حضور ناتو طی بیشتر از ده سال در افغانستان انتظاراتی را که تعدادی زیادی مردم ما، برخی از کشور های منطقه و تقریباً همه کشور های جهان غرب از این سازمان داشته اند، به تمامی نتوانست برآورده سازد؛ اما تصور آنچه بدون حضور این نیرو ها می توانست در کشور ما، و در منطقه و جهان اتفاق بیفتد، شاید برای خیلی از ما ها که قادر به پیش بینی حوادث هستیم، کار مشکلی نباشد. (نش سال سلطه پاکستان از طریق طالب بر افغانستان و سکوت مرگبار خیلی ها، به ویژه در برابر طالبی که با "خمچه" و "کیبل" در کشور حکومت می کرد، از یاد هیچ یک از ما ها نرفته است!)

یکی از این حوادث، بدون تردید، جنگ داخلی تمام عیار و در نتیجه آن سقوط حکومت سست و ضعیف کرزی بدست طالبی که گوش بفرمان پاکستان، دشمن شماره یک افغانستان، است، می باشد. حادثه دوم استقرار مجدد امارت قرون وسطائی طالبانی - در صورت مقاومت گروه یا گروه های قومی - سیاسی دیگر، حد اقل در بخشی از کشور - و گسترش فعالیت های تندروانه و تروریستی و خرابکارانه آن ها به کشور های آسیای میانه، ارمنستان، آذربایجان، چین، روسیه، ایران، عراق، سوریه و... می بود.

با موجودیت نیروهای خارجی در افغانستان بود که هم جلو جنگ داخلی، به معنای واقعی آن، در افغانستان گرفته شد، هم نفوذ و دست اندازی های پاکستان، ارچند زمینه ای دست اندازی ها و نفوذ پاکستان هنوز هم از طریق افراد و گروه های مانند طالب و طالب نما هائی که در درون و بیرون نظام و کشور وجود دارند فراهم می شود، در کشور کاهش یافت و هم قدرت و خطر طالب و تروریسم در افغانستان و در منطقه تا اندازه زیاد مهار شده است.

هراس طالبانیزه شدن منطقه در ارزیابی های که از اوضاع سیاسی کشورهای آسیای میانه، شرق میانه، آسیای جنوبی، روسیه و چین به عمل می آید، به وضوح و کاملاً مشهود است. در بعد اقتصادی هم اگر نیک دیده شود، کار های شده است که می توان، به گونه مثال، از ارسال کمک های بین المللی به افغانستان برای تأمین مالی پروژه های زیربنائی، رشد تجارت، جلب و جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی، رشد آموزش و پرورش، کار بی نهایت دشوار، ولی ضروری دموکراتیزه کردن کشور، کار تضعیف سازی ساختارهای قبایلی و رشد فرایند ملت سازی از طریق سیاسی کردن هر چه بیشتر مردم، کار دشوارتر از کار دموکراتیزه کردن کشور، تأمین آزادی ها، تقویه و رشد رسانه های جمعی و... نام برد. (کار هائی که به نظر من، منحیث یک چپ متعادل، اهل سنجش و یک انسان عملگرا و پیرو واقعیت های عینی و ملموس، در شرائط ابتری که کشور ما قرار دارد، بسیار ضروری و مفید بوده است.)

یکی دیگر از این دست آورد ها، احیای امکانات انتخابات آزاد برای همه در کشور است. دو انتخابات قبلی به هر شکلی که بود، گذشت؛ اما انتخابات پیش رو، آنگونه که از قرائن برمی آید، به احتمال زیاد، شاید یا برکزار نشود و یا این که برگزاری آن با مشکلات بسیار زیاد و تلفات جانی توأم باشد. کرزی کسی نیست که به آزادی، انتخابات و اصول دموکراسی، به ویژه زمانی که پای خودش و پای خویشانش در میان باشد، باور داشته باشد و پابندی نشان بدهد.

همچنان او کسی نیست که به سادگی حاضر به دست کشیدن از قدرت باشد. دو دوره حکومت کرد، ولی دور سوم قانوناً اجازه ندارد به این مقام باقی بماند. او این را می داند. راه دیگری برای او برای ماندن به قدرت باقی نمانده است، مگر این که از راه های غیرقانونی و از راه دور زدن انتخابات و استفاده کردن از راه های غیر مجاز و تیره کردن اوضاع و جو آفرینی ای که دلیلی، به زعم خودش، برای ماندن وی به قدرت گردد، استفاده کند.

دید و باز دید های پنهان و پنهانی وی با طالب، نشان ندادن تمایل به امضای پیمان امنیتی با امریکا، به بهانه این که میراث منفی از من، مانند کارمل و شاه شجاع، باقی نماند، بعد از یک دوره طولانی لیسیدن ک .. امریکائیان، دیدارهای متعدد وی با سران پاکستان، اعلام آتش بس یک ماهه طالب پاکستانی با حکومت پاکستان، همه، از قرار معلوم، باید با هم و با انتخاباتی که در پیش روی ما قرار دارد، مرتبط باشند.

حملات انتحاری گسترده طالب طی بیست و چهار ساعت گذشته در مناطق مختلف کشور، بی ارتباط با این صلح و بی ارتباط با دید و باز دید های کرزی و نمایندگانش با طالب و دید و وادید های مخفی مستقیم و غیرمستقیم وی با پاکستان و بی ارتباط با انتخابات نیستند.

چنین عملیات های خونین، بدون کوچکترین شک، در عرض یک ماه آینده، تا برگزاری انتخابات، در کشور ما به اندازه زیاد افزایش خواهد یافت و خون های زیادی از وطنداران بی گناه ما باز هم، با تأسف، زمین کشور ما را رنگین خواهد کرد؛ با این هدف که کشور، به ویژه، مناطق جنوب را به قصد جلوگیری از انتخابات، از راه ایجاد ترس و وحشت در میان مردم، ناآرام کند.

با بالا گرفتن ناآرامی های پلان شده توسط کرزی و طالب و پاکستان، رشد ترور و بر گزار نشدن انتخابات، ظاهراً راه دیگری برای کرزی باقی نمی ماند، مگر این که با یک فرمان تقنینی به کار خود به حیث رئیس جمهور کشور، تا مساعد شدن اوضاع برای انتخابات، ادامه دهد.

او ابقای حکومت و قدرت خود را در این دسیسه های بسیار بیشرمانه ای که منتج به کشته شدن صدها هموطن بی گناه ما از راه ترور و حملات انتحاری خواهد شد، گذشته از برهم خوردن پروسه انتخابات، دیده و می بیند. اما این که مردم و مجموعه های از مخالفین سیاسی - قومی وی از این همه دسیسه ها غافل می مانند، و این که مردم و مخالفین وی به او موقع می دهند که چنین دسیسه های را به قیمت جان صد ها انسان و به خطر انداختن ملک عملی سازد، من که باورم نمی شود. باز هم دیده شود.

شاید او در این کارش هم، مانند بیشتر از یک دهه گذشته، از حوصله غیر ضروری، و از سهل گرفتن امور بوسیله اکثریت قریب به اتفاق مردم، استفاده کند؛ و آخر این بازی ها، در اثر به علاقگی شمار زیاد از مردم به سرنوشت خود شان، به جایی برسد که بار دیگر طالب به قدرت برسد، کرزی وزیر خارجه طالب شود و پاکستانی ها هم دو باره بر نوشت ما مسلط شوند و سیاست داخلی و خارجی، و دوست و دشمن ما را از دریچه منافع و مصالح کشور خود معین و مشخص کنند، و همین دست آورد های بیش و کمی را، به ویژه دست آورد باارزش آزادی و استقلال، ولو قابل بحث را، که طی این همه سال نصیب مردم ما شده است، از بین ببرند و باز هم سکوت قبرستان ها بر سراسر کشور مستولی گردد. سکوتی که شامل حال شیران هم خواهد شد!!